

بوستان های ترمیمی

حسنا محمدزاده



از «بوستان ترمیمی» چیزی شنیده اید؟ به احتمال زیاد نه، تعجبی ندارد. اگر بخواهید درباره این بوستان ها وریزه کاری هایش ببانید، باید زبان صفحه کلیدتان را تغییر دهید و Restorative Park را در مقالات علمی جست وجو کنید. بهمانده که هر چه در ما جراعیق تر شوید، بیشتر به این نتیجه می رسیدکه ریشه های دیدگاه ترمیمی در دین و فرهنگمان به وضوح آمده است، اما طبق معمول دیگران در تئوریزه کردن آن از مایپیشی گرفته اند. با جعفر سروی، مدیر پروژه شهر ترمیمی شهرداری مشهد، ۸۵ دقیقه درباره این بوستان ها صحبت کردیم، «بوستان هایی که ظاهر و کارکردشان تفاوت هایی با نمونه های کنونی دارد و همین تفاوت ها باعث می شود حسی بسیار بهتر و آرامشی مضاعف را بابت حضور در آن تجربه کنید. سروی متولد سال ۱۳۵۳ است و دکتری جرم شناسی دارد. در دانشگاه درس حقوق می دهد و در سوابق اجرایی اش مواردی مثل ریاست شعبه ۲۵ ویزه دعاوی شهرداری مشهد و نیز ریاست کمیسیون ماده ۱۰۰ دیده می شود. او در پاسخ به پرسش های ما، ضمن نقد وضعیت کنونی بوستان های کشور از گام هایی هر چند کوتاه می گوید که برای ترمیمی شدن بوستان های مشهد برداشته شده و البته وجود برخی مقاومت ها، روند آن را کند کرده است.

مردم از بوستان ها سنجید.

مدل مدیریتی اجتماع محور، پرزحمت است، قبول دارید؟

بله. برای همین است که مدیریت بوستان ها تخصصی شده است. الان مطالعات بین رشته ای شده است. دیگر حرف از جامعه شناسی صرف یا حقوق تنهاییست و از جامعه شناسی حقوق بحث می شود. مدیریت هم همین است. اگر دوستان در جریان صحبت های من قرار بگیرند، حتما ناراحت می شوند که چرا این راکفته ام، اما واقعیت قضیه این است که در هیچ یک از بوستان های شهر، تخصص مدیریت بوستان که علمی چند وجهی است، وجود ندارد؛ مسئولان بوستان تخصص اجتماع ای ندارند؛ باغبانی خوانده اند یا کشاورزی و مشابه آن. دغدغه شان نگهداری فضای سبز است. اما مدیریت بوستان، علمی است که فقط یک بخش آن به فضای سبز برمی گردد.

درباره بقیه ابعاد این مدیریت مثال می زنید؟

بخشی از بوستان های ما خطی است. تأمین امنیت این ها دچار چالش است. میزان سرقت وسایل عمومی بسیار بالاست. بعضا ابزار می آورند و میلمان شهری رازه می کنند. دوستان می گویند نمی شود این همه نگهبان گذاشت برای تک تک این بوستان ها. چند بار خواهش کردیم مردم و شورای اجتماعی محلات را درگیر قضیه کنید؛ نه برای اینکه نگهبانی بدهند، فقط حضور داشته باشند. در بوستان خورشید برای حل یکی از مشکلات آن طرحی ارائه کردم که عبارت بود از امنیت نقاط کور. گفتم جوانان محله را شفیت بندی کنید که بایبند در این نقاط و ایلیال بازی کنند. باید با رؤسای کلانتری ها، مساجد، سمن ها، خیریه ها و شورای اجتماعی محلات در اطراف بوستان جلسه گذاشت تا بشود امنیت آن را تأمین کرد. این می شود امنیت مردم پایکه جاذب مردم است. خود دوستان در شورای شهر می گویند که استفاده از بوستان ها کاهش پیدا کرده است. حداقلش این است که بگویم از سوی خانم ها و خانواده ها کاهش پیدا کرده است. معتقدم فضای بیشتر بوستان های

ما امنیتی است، در حالی که ضرورتی ندارد. دیدگاه امنیتی نمی گذارد دیدگاه مردم پایه رشد کند.

مدیریت بوستان ترمیمی یک مدل واحد دارد؟

نه، یک مدل واحد ندارد. هر بوستانی باید مدل خودش را داشته باشد. مدل مدیریت بوستان ملت باید با بوستان کوهسنگی، اردیبهشت و بهار متفاوت باشد؛ چون مؤلفه هایشان، اعم از ساکنان اطراف بوستان، فرهنگ، جرائم، پرتکرار و... متفاوت است.

با این حساب مدیریت هر بوستان باید بومی همان منطقه باشد و کاملا مشرف به بافت فرهنگی آن.

بله. مدیریت محلی باید قریه و بتوانند باشد و خودش تصمیم بگیرد و آنچه به او ابلاغ می شود، در حد کلیات باشد. الان این طور نیست و آنچه صادر می شود بخش نامه های یکسان خطاب به همه بوستان هاست.

بوستان ترمیمی ظاهری متفاوت با بوستان های کنونی دارد؟

طراحی بوستان های ما ترمیمی نیست. در دنیای امروز، معمارها سعی می کنند بیشتر از طرح هایی استفاده کنند که جاذب باشد و افراد را به داخل بکشاند. خیلی از بوستان های ما جاذبه ای ندارد و حتی طراحی و میلمان داخل بوستان با بیرون آن یکی است. به بوستان های اروپایی زیادی رفته ام. وقتی نزدیک می روی، انگار به داخل بوستان کشیده می شوی.

چه چیزی باعث می شود به داخل کشیده شوی؟

میلمان و منظرش جذاب است. حس خوبی می دهد و دوست داری بروی داخل. این مؤلفه ها الزاما چیزهای ملموسی نیست. مثال می زنم. به بازار «سپاد» رفته اید و طراحی اش را دیده اید. شب آن طوری است که بدون اینکه متوجه شوی بالا می روی. در حالی که در بازارهای دیگر باید با پله بروی. متوجهی و اراده ات دخیل است.

اصلا چرا باید سراغ مفهوم پارک ترمیمی برویم؟

فلسفه ایجاد فضای سبز تغییر کرده است. قبلا از فضای سبز فقط برای تفرج و گشت وگذار استفاده می شد، اما الان رویکردی که دنبال می شود، تشفی خاطر است. تشفی خاطر یعنی شفاف محوری و ایجاد زمینه ای برای رفع گره های روانی افراد. بوستان ترمیمی می گوید فضای سبز باید بتواند به درمان و بهبود حال آدم ها کمک کند؛ مثلا قبلا در بوستان ها فقط به ایجاد زمین بازی کودکان، پارکینگ خودرو و امکاناتی از این دست فکر می شد، اما الان دیدگاه ترمیمی می گوید این ها برای انسان امروز و بهتر شدن حالش کافی نیست. هدف دوم بوستان ترمیمی کاهش جرم و ایجاد آرامش در بازدیدکننده هاست؛ اینکه اینجا بر علیه شما جرمی واقع نمی شود.

مورد دوم که به آن اشاره کردید، چقدر ضرورت دارد؟ آماری از وقوع

جرائم در بوستان ها دارید؟

چنین آماری و صود ندارد. این یک ضعف اساسی است که ما حتی مسئله را نمی شناسیم. فقط به صورت کلی از تنوع جرائم و آسیب هایی خبر داریم که در بوستان ها رخ می دهد؛ از حضور دختران فراری تا زدنی ها، رفتارهای خلاف قمت، توزیع مواد مخدر و...، متأسفانه لایوشانی هم می شود. چند سال پیش روی نمونه ای هزار نفری از بانوان مشهدی پژوهشی میدانی انجام شد تا امنیت زنان در فضاهای عمومی شهر، از جمله در بوستان ها بررسی شود. بخشی از پژوهش به موضوع احساس امنیت زنان (جانی، مالی و اخلاقی) در این فضاها پرداخته بود. نمی خواهم وارد جزئیاتش بشوم، اما نتایج این تحقیق که انتشار عمومی پیدا کرده است و پژوهش های مشابه، جای تأمل دارد.

با این حساب صرف کاشت درخت و ایجاد فضای سبز زیبا ما راه تشفی خاطر و کاهش جرم نمی رساند.

همین طور است. تأثیر فضای سبز در کاهش جرائم و تخلفات، و مؤثر و اثبات شده است، اما کافی نیست. هزینه های هنگفتی که ماضرف ایجاد بوستان ها کرده ایم و لازم هم بوده، بهره وری و فایده مندی لازم را نداشته است.

اینکه ما به این اهداف نرسیده ایم به دلیل طراحی نامناسب بوستان هایمان است یا دلایلی دیگری دارد؟

اهداف و مقاصدمان این هدف ها نبوده است که بخواهیم به آن ها برسیم. بوستان های ما با هدف تفرج ایجاد شده و همه چیز حول این هدف شکل گرفته است. دیدگاه تفرج می شود اینکه در بوستان خورشید آلاچیق بزنید تا ماندگاری شهروند بیشتر شود، اما دیدگاه ترمیمی می گوید این کافی نیست؛ اگر کافی بود شمای نوعی، برای حضور خواهر کم سن و سالتان در بوستان، از ساعتی به بعد، محدودیت قائل نمی شدید.

مؤلفه های بوستان ترمیمی چه مواردی هستند؟

متعددند. اولین مورد مدیریت بوستان است. در کشور ما مدیریت بوستان ها با نهاد های عمومی است. انتخاب هیئت امنا مشکل از شهردار و معاونانش هم یک تلاش ناموفق بود. مدیریت در بوستان های ترمیمی با روش های اجتماع محور انجام می شود، چون خروجی اش را مردم می خواهند استفاده کنند. در همین بوستان ملت، در بین مراجعان انواع تخصصی ها را داریم؛ مثلا یک نفر قاضی دیوان عالی کشور بوده یا دارا تکل سمتی داشته است. مردم عصرها می آیند در بوستان می نشینند، بدون اینکه از ظرفیت و علاقه شان برای مدیریت بخشی از بوستان و رفع مشکلات موجود استفاده شود. ما بوستان را پاکدان در نظر گرفته ایم. من با برخی متولیان بوستان ها صحبت کرده ام. کچول متولیان تفرج است و نه تشفی خاطر، چیزهایی را معضل می داند که محض نیست. دیدگاه مدیریتی باشد فقط به نظم و تمیز بودن بوستان فکر می کند و اینکه از کسی صدایی در نیاید. اینکه اسمش بوستان نیست؛ اجتماع در خان است.

ساخترهای اجتماع محور چه نقشی در مدیریت بوستان دارند؟

مردم در هیچ یک از حدود ۶۶ بوستان مشهد، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، دخالتی ندارند. این طور نیست که بگویند ما این را می خواهیم، یا نمی خواهیم. سمن های اجتماع محور و حتی مذهبی نیز حضور چندانی ندارند. چه برسد به سمن هایی که در زمینه دخترهای فراری، حقوق شهروندی، محیط زیست و... فعالیت می کنند. فعالیت ها در همین حد است که گاهی خبر ببرند به دفتر فلان مسئول که در بوستان ها فلان آسیب وجود دارد. نه فقط در بوستان ها. درکل شهرداری ها مدیریت، اجتماع محور نیست. با وجود اینکه ماهیت مردم پایه دارد، به سمتی رفته است که استفاده از زور و اجبار طرف دار دارد. مدیریت بوستان ها اداری است؛ مختص مشهد هم نیست. یک بار رؤسای بوستان های شهر را دعوت کرده بودیم و با آن ها درباره این موضوعات صحبت می کردیم. می گفتند؛ این ها چرا به ما می گوید؟ گفتیم؛ خب به که بگویم؟ می گفتند، به قسمت فرهنگی (شهرداری)، این جواب درستی نیست. شما رئیس بوستان هستید و ما مردم سروکار داریم. مدیریت بوستان که مدیریت درختانش نیست.

بوستان ها را دیگر نمی شود با وضعیت سابق اداره کرد؛ لب کلام شما را این طور دریافت کردم.

دقیقا. نمی شود هیئت امنا سالی یک بار جلسه بگذارد و تمام؛ یک سوت هم بدیم دست نگهبان که مردم وارد فضای سبز نشوند. مدیریت بوستان این ها نیست. نتیجه این مدیریت غیر مردمی و غیر اجتماع محور را می شود با میزبان رضایتمندی

است. شهرگرایی و شهرنشینی تبعاتی دارد که بیماری ها از جمله آن ها هستند. شهروندی را در نظر بگیرید که خانه اش اطراف حرم بوده و هر روز می رفته است زیارت، خانه اش را به اسم بهسازی خریده ایم و او را به منطقه ۹ فرستاده ایم، در یک آپارتمان صدمتری، به شرایط روحی ای ۲۳ تا ۳۰ درصد را برای میزان ابتلا به انواع اختلالات روان پزشکی بیان کرد. تأثیر ترافیک، آلودگی صوتی و اضطراب های ناشی از زندگی شهری را دست کم نگیرید. والدین بچه ها را می آورند پارک که از محدودیت های خانه آپارتمانی راحت شوند، اما آنجا هم باید دائم نگران باشند که بچه کنار فلان جوان ننشیند، دور نشود و...، این اضطراب ها اختلال نیست؟

در بوستان های ترمیمی برای رفع این مشکلات و به گفته شما «تشفی خاطر» مردم، چه کار می کنند؟

راهکارها و تدبیرهایی اتخاذ می شود تا به طور مثال بنده به عنوان یک فرد افسرده، رایگان با یک مشاور صحبت کنم. همین طور از وکلای ترمیمی استفاده می شود. در یزد این کار را شروع کردیم و مکان هایی را برای مشاوره جرائم سایبری تعبیه کردیم.

ممکن است برخی بگویند بوستان جای این کارها نیست.

اشتباه می کنند. در جلسات هم گفته ام اگر می خواهید افراد به بوستان بیایند، صرف کاشت درخت و فضای سبز کافی نیست. فضای سبز، زمانی برای جذب مردم کافی بوده که دلشان خوش بود و خانواده، فامیل و ارتباطاتی شاد و مؤثر داشتند.

مشهد از لحاظ بوستان های ترمیمی چه جایگاهی در کشور دارد؟

از نظر فضای سبز عالی، اما از نظر رویکرد فرهنگی ضعیف است.

شهرهای دیگری داریم که از مشهد جلوتر باشند؟

نه. تهران هم دیدگاهش همین است؛ درخت نگ داشتن و این طور موارد.

چون به یزد اشاره کردید، پرسیدم.

یزد شروع کرده است. امانی می شود گفت از مشهد پیش تراست. در بوستان های مشهد هم دنبال مشاوره سایبری بودیم. یزد بر تغه نشد. دو سال است شعب حل اختلاف را در شش بوستان بزرگ مشهد ایجاد کرده ایم.

که چه بشود؟

از مؤثرترین رویه های ترمیمی، نهاد قضایی در دسترس است. شعب حل اختلاف مردمی را در بوستان ها راه اندازی کردیم که متشکل از افراد سرشناس و ریش سفیدان همان محدوده است. برخی شعب آن قدر فعال اند که دادستانی تشکر کرده و خواستار تقویت آن ها شده است.

حقوق و مزایا دارند؟

نه، حتی یک ریال. ساختارهای مشابهی در شهر هست با صرف پول های میلیاردی، اما یک هزارم این شعب که «همراهان صلح» نام دارند، آورده نداشته اند.

«همراهان صلح» چه کار می کنند؟

اگر در بوستان مشکلی پیش بیاید، در محل رفع می شود. زمان هایی که اعضای شورا حضور دارند، طرفین به شورا ارجاع می شوند. اختلافات در ۷۰ درصد مواقع، به صلح منجر می شود. وقت هایی که اعضای شورای حل اختلاف حضور ندارند، پرونده به دادستانی می رود و دادستانی نظر شورا را می خواهد.

شوراها مجوز قضایی دارند؟

بله. رئیس کل دادگستری ابلاغ داده است و کلانتری های محله و شورای اجتماعی محلات هم با آن ها ارتباط دارند.

پس اوضاع روبه راه است.

نه، نیست. حرف های ما نواست و مقاومت ها زیاد. می خواستیم این شش بوستان بشود نهاد کاهش و کنترل جرائم شهری، اما الان با ۱۰ درصد ظرفیتشان کار می کنند. دوستان می گویند بوستان جای قاضی بازی نیست. هر چند که حتی مخالفان هم به این نتیجه رسیده اند که این ساختار مؤثر است.

رویکرد ترمیمی در کشورهای دیگر نمونه اجرашده ای دارد؟

در دوازده کشور (مثل بلژیک، انگلیس و استرالیا) اتفاق افتاده است. تفاوتی که این کشورها با کشور ما دارند این است که آنجا شهردار، به معنی واقعی مدیر شهر است. اختیارات و امکاناتش را دارد که بگوید اسمال را هربرد ما کاهش فلان جرم است، اینجا نه.

جمع بندی نهایی لطفا.

اگر معدل جرائم در بوستان ها کاهش پیدا نکند، حضور مردم پررنگ نخواهد شد. جرم یک پدیده اجتماعی است و جز با حضور همه افراد مؤثر، رفع نمی شود. از شهردار منطقه تا معاونت خدمات شهری، دادستانی، رئیس و کارشناسان بوستان و....

